

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۲ مارچ ۲۰۱۹

حلقات زنجیر دروغهای "ISI"

دوشنبه- ۲۰ حوت ۱۳۹۷- کابل: انتشار کتاب "زندگی مخفی ملا محمد عمر" به قلم "بتی دم" نویسنده هالندی که در آن ادعا شده است که "ملا عمر" بعد از سقوط طالبان در ۲۰۰۱، الی زمان مرگش در افغانستان زیسته و هیچ گاهی افغانستان را ترک ننموده است، عکس العمل های متفاوتی را باعث گردید آنهم در سطحی که "ارگ" و "وزارت خارجه" دولت دست نشانده هر دو آن ادعا را رد نمودند. در یادداشت امروز توجه شما را به نکات چندی در همین رابطه جلب می نمایم:

۱- وقتی از لحاظ امکانات عملی به قضیه نگریسته شود، هیچ کسی نمی تواند رد نماید که چنین ادعائی در حد ممکنات نیست. زیرا وقتی فردی مانند "گلبدین" که ده ها و صد ها هزار قطعه عکس وی در سراسر جهان وجود داشت و از لحاظ توانائی های نظامی به "گرد" ملا عمر نمی رسید، ادعا نماید که تمام مدت در افغانستان زیسته و هیچ کسی پیدا نشود تا به وی بگوید "بر پدر دروغگوی لعنت"، نباید به خود حق داد ادعای فردی را تکذیب کرد که تا امروز حنا بعد از مرگش یک عکس کامل و قابل شناسائی با معیارهای پولیسی - امنیتی از وی در دست نیست. از آن گذشته وقتی معاونین و همکاران نزدیک "صدام حسین" بتوانند با تمام شهرت سالیان سال در زیر پیگرد امپریالیسم امریکا و بویکش های ایرانی در داخل عراق زندگانی نمایند، چرا باید در صحت ادعای "ملا عمر" شک نمود.

۲- اساس مسأله این است که بدانیم چرا چنین ادعاهائی صورت می گیرد و از کدام مجرا و افراد دست یک "خانم" هالندی گرفته می شود و او را بعد از شش سال گشت و گذار و ترتیب مصاحبه های گوناگون و مصاحبه با افراد حقیقی و نهادهای حقوقی به جایی می رسانند تا چنین حرف و ادعائی را مطرح نماید.

تا جایی که از روند کلی قضایا دیده می شود، ادعای اقامت "ملا عمر" در داخل افغانستان، در واقع مکمل ادعای "گلبدین" است. هرگاه صد آیت و قسم گفته شود که آنها به هم پیوند ندارند، مگر شباهت ها در طرز زندگی مخاطره آمیز که هر دو در عقب درب سربازان امریکائی را دیده اند، نشان می دهد که منبع هر دو ادعا یکی است. منبع مشترک به غیر از "ISI" کس دیگری نمی تواند باشد.

۳- این را می دانیم که یکی از اساسی ترین اتهامات دولت دست نشانده افغانستان و اشغالگران بالای پاکستان، تروریست پروری و نگهداری از تروریست ها می باشد. پاکستان هم در تمام این مدت به گفته مردم "باکالا در چشم جهان درآمده" با تمام قدرت این ادعا را تکذیب می نماید. حنا وقتی محل بودوباش "بن لادن" در آنجا شناسائی و مورد

حمله قرار گرفت، باز هم پاکستان همان ادعای سابق را تکرار نموده، ابراز داشت که هیچ تروریستی در پاکستان پناه داده نشده است.

۴- "ISI" با آوردن و سپردن "گلبدین" به امریکائی ها و مساعد ساختن زمینه های دروغ برای وی که گویا در تمام مدت در افغانستان زیسته است، در واقع اولین حمله را بالای این عقیده که **پاکستان پناهگاه امن تروریستان است**، انجام داد. سکوت و بی توجهی افراد و مقامات من جمله نهاد های امنیتی دولت دست نشانده در این خصوص، به پاکستان نشان داد که زمین به قدر کافی نرم است و می توان دروغ های دیگری را نیز در آن غرس نمود. اینجاست که کتاب "بتی دم" بیرون داده می شود. کتابی که از سر تا پایش فریاد می زند که نویسنده کتاب در تمام مدت در دستان توانمند "ISI" به مانند مرغی اسیر پروبال زده و دنیا را مطابق خواست "ISI" و از همان عینک دیده است.

۵- پاکستان با این ادعا ها نه تنها می خواهد اتهامات "تروریست پروری" را از خود رفع نماید، بلکه تلاش دارد تا اصولاً نقش خودش را در ایجاد ماتمسرا در افغانستان زیر سؤال ببرد. این که دولت دست نشانده بیاید و تنها علیه این ویا آن کتاب موضعگیری نماید، چیزی به جز خود را مسخره ساختن نیست. دولت دست نشانده اگر واقعاً می خواهد محتوای کتاب را و سیاست های پشت پرده آن را افشاء نماید می باید اسنادی را که همیشه "نبیل" از آن یاد می کند از تاریخخانه ها بیرون کشیده ، منتشر سازد.

هموطنان گرامی!

نباید یک اصل کلی را در هیچ حالتی نادیده گرفت: **جنگ علیه معلومات غلط و آن را شکست دادن، می تواند فقط از طریق ارائه معلومات درست و صحیح صورت گیرد، نه صدور اعلامیه.**

سرکها ما را می طلبد!